

شیعه

در وظایف مذهبی خود در حجاز آزاد است

حاج مهدی سراج انصاری / رسول جعفریان

مرحوم حاج مهدی سراج انصاری (م شهریور ۱۳۴۱ش.) یکی از چهره‌های فرهیخته و فرهنگی کشورمان بودند که در طی دهه ۲۰ و ۳۰ تلاش بسیاری در جهت مبارزه با بی‌دینی، تقویت اندیشه‌های اسلامی در جامعه و مستحکم کردن پایه‌های اتحاد میان مسلمانان، از خود نشان دادند.

کتاب‌ها و مقالات فراوان ایشان در مبارزه بر ضد اندیشه‌های کسروی و تبیین اندیشه‌های اسلامی در نشریاتی مانند آیین اسلام، پرچم اسلام و دنیای اسلام، آن هم در حجمی گسترده و با نثری روان و زیبا، می‌تواند گوشه‌ای از فعالیت‌های ایشان را در بازگرداندن جامعه جوان ایرانی به دامن اسلام، پس از عصر ننگین رضا خان نشان دهد. به علاوه، یکی از مهم‌ترین کارهای سیاسی-فرهنگی حاج سراج این بود که اتحادیه مسلمین را تأسیس کرد تا پایه‌های وحدت میان جوامع اسلامی را استوار سازد. این اتحادیه، اعضای زیادی داشت و بسیاری از نویسندگان مذهبی جوان آن روزگار؛ مانند مرحوم سید غلامرضا سعیدی، محمدباقر محقق، ولی‌الله یوسفیه، عبدالحسین کافی و... در این اتحادیه فعالیت می‌کردند. این اتحادیه، شعبه‌هایی نیز در شهرستان‌ها داشت که آنها نیز فعال بودند.





یکی از اقدامات حاج سراج در اتحادیه، انعکاس وضعیت سایر مسلمانان و دشواری‌های آن در جامعه ایران و تلاش برای جلب حمایت مردمی از نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی بود.

در این زمینه، دربارهٔ مسألهٔ فلسطین بیش از همه تلاش شد و جلسات عمومی زیادی در حمایت از جنبش مردم فلسطین برگزار گردید. اتحادیه نسبت به مسلمانان اندونزی، مراکش و در رأس آنها پاکستان نیز تلاش زیادی از خود نشان داد.

بیشتر این تلاش‌ها، در نشریهٔ مسلمین که منعکس‌کنندهٔ دیدگاه‌ها و افکار اتحادیهٔ مسلمین بود، منعکس می‌شد. این نشریه از سال ۱۳۲۷ش. به‌طور نامرتب و پس از آن، از سال ۲۹ برای مدتی به صورت ماهانه و مرتب انتشار یافت. خود حاج سراج نقش مهمی در تدوین مقالات داشت و جوانان نویسندهٔ مسلمان دیگر هم مقالات متعددی در آن می‌نگاشتند.

یکی از ابعاد فعالیت حاج سراج، تماس با سفرای کشورهای اسلامی و طرح مسائل مسلمانان آن کشور و دشواری‌های آنان بود که حاصل گفتگو، در مجلهٔ مسلمین به چاپ می‌رسید. در این زمینه، حاج سراج مصاحبه‌ای با حمزه غوث، سفیر عربستان در ایران انجام داد که بیش از همه به طرح مسائل مربوط به شیعیان در آن کشور پرداخته شده بود. حمزه غوث، بر اساس آنچه از این مصاحبه بر می‌آید، از شرفای مدینه و از سادات حسنی بوده است که زمانی این شرفا حکومت شهر مدینه را در اختیار داشتند و شیعه بودند و دولت سعودی، به همین دلیل وی را به عنوان سفیر خود در ایران برگزیده است.

مرحوم حاج سراج ضمن گفتگو با ایشان، سعی کرده است تا راه حلی برای برداشتن سخت‌گیری‌ها نسبت به شیعیان در عربستان مطرح کند و در باره فتوایی که بر ضد شیعه در آن دیار انتشار می‌یابد، گفتگو نماید. از آن جهت که این چند صفحه می‌تواند گوشه‌ای از روابط فرهنگی ایران و عربستان را نشان دهد، اقدام به چاپ آن کردیم. این متن در نشریهٔ ماهانه «اتحادیهٔ مسلمین» شمارهٔ ۲ و ۳ منتشره در یکم مردادماه ۱۳۲۷ (مطابق با ۱۶ رمضان ۱۳۶۷ق. صفحات ۴۲ - ۴۵) انتشار یافته است.

تفصیل ملاقات آقای حاج سراج انصاری با جناب آقای حمزه غوث وزیر مختار مملکت سعودی:

نظر به اینکه اتحادیه مسلمین بسیار حریص است که یک وحدت اسلامی در تمام کشورهای اسلامی ایجاد شود و همواره برای رسیدن به این هدف مقدس اهتمام می‌نماید، لذا هر فردی از افراد این اتحادیه مجاز است که در این موضوع مهمه نموده و راه رسیدن به مقصود را باز کند. به همین مناسبت این جانب حاج سراج انصاری (مؤسس اتحادیه مسلمین) روز پنجشنبه دهم تیر ماه، آقای دکتر موسی حکمت، منشی هیئت مدیره اتحادیه را برای تعیین وقت به سفارتخانه سعودی اعزام نمودم تا یک ملاقات خصوصی با وزیر مختار حجاز به عمل آید. آقای دکتر حکمت آقای وزیر مختار را در محل جدید خود ملاقات و پس از مذاکره در پیرامون تعیین وقت، ساعت نه صبح دوشنبه دوازدهم تیر ماه را معین نموده، ساعت مزبور اینجانب همراه آقای دکتر موسی حکمت به سفارت سعودی رهسپار شدیم و تا ساعت ده و نیم گفتگوهای ما ادامه

داشت. اینک خلاصه آن را برای روشن شدن افکار برادران دینی خود، ذیلاً به رشته نگارش می‌کشیم:

بعد از تعارفات رسمی، گفتم نظر به اینکه اتحادیه مسلمین می‌خواهد میان افراد مسلمانان جهان، حُسن تفاهمی ایجاد کند و در وهله اول سرزمین مقدس حجاز، که مکه آن قبله مسلمانان است و مدینه اش قبه الاسلام و مهبط وحی الهی و مرکز اولی حکومت اسلامی بوده، مورد توجه مخصوص اتحادیه مسلمین است و عقیده مند است به طوری که نور اسلام از آن سرزمین طلوع نموده و دنیا را منور ساخته است، باید همیشه نور وحدت از آن جا به تمام کشورهای اسلامی بتابد و این زمین پاک از هرگونه عوامل نفاق منزّه و مبرا باشد ولی متأسفانه شنیده می‌شود که پیروان اعلی حضرت ابن سعود، فرقه شیعه را مشرک می‌دانند! آیا این تهمت مایه نفاق و مولد دو تیرگی، که روح اسلام از آن بیزار است، نمی‌شود؟





چون سخن من به اینجا رسید، آقای حمزه غوث چنان بر آشفته که رخسارش برافروخته و با حال عصبانی چنین جواب داد که:

این نسبت، پاک دروغ است و غیر ممکن است که مقرون به صحّت باشد؛ زیرا اگر دولت سعودی یا ملت آن، شیعه را مشرک بدانند محال است که به یکی از آن‌ها اجازه ورود به خاک حجاز، خصوصاً به مکه و مدینه داده شود. این حرف‌ها و این نسبت‌ها کاملاً دروغ بوده و جداً تکذیب می‌کنم.

گفتم: در این چند سال اخیر، کتابی به نام «الصراع بین الوثنیّة والاسلام» به قلم یک نفر عالم نجدی به نام عبدالله علی قصیمی انتشار یافته که در آن کتاب تهمت شرک به شیعه داده و با سفسطه‌ها و مغالطه‌ها خواسته است ثابت کند که شیعه مشرک است. این کتاب بهترین دلیلی است بر صحت آنچه عرض کردم. آقای حمزه غوث گفتند که این مرد ماجراجو اولاً اگر از اهل نجد است مقیم نجد نمی‌باشد و ثانیاً کتاب نامبرده را در مصر تألیف و چاپ نموده است. ثالثاً پس از انتشار آن کتاب و کتاب دیگری که اصولاً با دین اسلام مخالفت داشت تمام

علمای نجد و حجاز او را تکفیر نموده و به کفر و بی‌دینی او فتوا دادند و اعلیٰ حضرت ابن سعود هم مواجب او را قطع نموده و فعلاً میان عموم دانشمندان حجاز و نجد متفور و مردود می‌باشد. شما نباید نوشته‌های یک چنین مرد ماجراجو را بر مسموعات خود دلیل آورید؛ مثلاً اگر یک نفر ایرانی برود در یکی از کشورهای اسلامی یا غیر اسلامی کتابی بنویسد و انتشار دهد که محتوی کفریات باشد، آیا عمل او را می‌توانید به تمام ایرانی‌ها نسبت دهید؟

در این اثنا قضیه مهر را پیش کشیده و گفتم: چرا مأمورین از گزاردن مهر مخالفت می‌کنند؟ آیا میان سجده کردن به مهر و سجده کردن به فرش در نظر شما چه تفاوتی دارد؟... فقهای شیعه برای سجده کردن، بعضی اشیا را معین نموده و از بعضی اشیا نهی نموده‌اند که من جمله فرش است و توده شیعه ناچار است که طبق فتوای مجتهد خود عمل کند، آیا مخالفت دولت سعودی از سجده کردن به مهر، مولد نفاق و مخالف آزادی نیست؟...

در جواب اظهار داشت که این اختلافات جزئی نباید باعث تشّت و

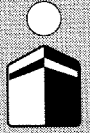
تفرق بشود، البته هرکسی مختار است که طبق مذهب خود رفتار نماید. یکی می‌خواهد به فرش سجده کند. یکی می‌خواهد به سنگ و مانند آن سجده نماید. غرض و مقصود همه توجه به سوی حضرت باری تعالی است. این‌ها نباید مایه تکدر شود (از این بیان ایشان معلوم شد که سجده بما یصحّ فیہ السجود؛ از قبیل سنگ و حصیر و مانند آن‌ها در منطقه نفوذ سعودی‌ها مانعی ندارد) سپس خود آقای حمزه غوث گفتگو را به موضوع دست بستن در حال نماز کشانید و گفت: یکی ایراد می‌گرفت که شیعه را در حجاز هنگام نماز مجبور می‌کنند که دست بسته نماز بخواند، در حالی که این حرف هم بر خلاف حقیقت است؛ زیرا مالکی‌ها مانند شیعه دست بسته نماز نمی‌خوانند و آن‌ها آزادند و شیعه نیز آزاد است. یک ایراد دیگری که در وزارت خارجه نمودند، این بود که در حجاز شیعه را به نماز جماعت مجبور کرده و از نماز انفرادی منع می‌کنند، این حرف هم بر خلاف واقع است. بلی، موقعی که در یکی از مساجد یا مسجد الحرام و یا مسجد مدینه نماز جماعت برپا شود، اصولاً و اخلاقاً

خوب نیست که شخصی حاضر در مسجد مفرداً نماز بخواند، مأمورین در این موقع ممانعت می‌نمایند نه در هر موقع. گفتم: در مذهب شیعه هم فقها فرموده‌اند که هنگام اقامه نماز جماعت شایسته نیست که فرادی نماز خوانده شود؛ زیرا این عمل تفسیق عملی است برای امام جماعت.

آقای حمزه غوث اظهار داشتند که خوب است علما و دانشمندان شیعه، جهال را به حقایق آشنا نمایند و بسدین وسیله شکافی را که فیما بین فرقه‌های مسلمین باز شده، ترمیم کنند. گفتم که این عمل را نیز لازم است که علمای اهل سنت انجام دهند. گفت: بلی باید علمای طرفین در این موضوع اهتمام کنند.

سپس گفتم: چیزی که در اعمال حج بسیار مؤثر است و برای شیعه یک امر مهم می‌باشد، قضیه رؤیت هلال است؛ زیرا در مکه پس از فتوای محکمه شرعی، دولت سعودی همه را مجبور می‌کند که از فتوای محکمه تبعیت نمایند و هر روزی را که محکمه معین نموده است آن روز را اول ماه قرار دهند و روی آن عمل کنند، چه ضرری دارد که یک





نفر از علمای شیعه در آن محکمه حاضر و هنگام شهادت شهود او نیز حضور داشته باشد که موقع فتوا با هم فتوا دهند تا اختلافی تولید نشود؟

آقای حمزه غوث در جواب این پیشنهاد گفت که این عمل غیر ممکن است؛ زیرا مداخله در این عمل، مداخله به امور داخلی کشور محسوب می شود و محال است که یک چنین عملی انجام بگیرد، علاوه اگر شما کشور سعودی را یک کشور اسلامی می دانید باید تابع مقررات آن بشوید؛ چنانکه من فعلاً در ایران مقیم هستم و آن را یک کشور اسلامی می دانم، فردا ماه مبارک رمضان است. دولت اعلام خواهد داشت که فلان روز اول ماه مبارک رمضان است، بر من واجب است که از آن تبعیت نموده و همان روز را روزه بگیرم، اگرچه از حجاز تلگرافی دریابم که آن روز اول ماه نیست. آیا من می توانم به دولت تکلیف کنم که چون فتوا دهنده شما شیعی است اجازه بدهید یک نفر از اهل فتوای سنی در محکمه شرعیه حاضر و به شهادت شهود گوش دهد...؟

فتواست، من خودم در سال ۱۳۵۰ عازم مکه بودم، شبی میان مکه و مدینه به مناسبت احتمال شب اول ماه ذی الحجة الحرام بودن میان بیابان تمامی حجاج از اتومبیل ها پیاده شده و استهلال نمودند و احدی ماه را ندید، چیزی که مایه بدگمانی اینجانب شد آن بود که یک نفر حمله دار که یک چشم هم نداشت پهلوی خود من ایستاده و استهلال نمود و در نتیجه گفت که ماه پیدا نیست و چون به مکه رسیدیم یکی از شهود همین حمله دار بود و روی شهادت یک چنین شهودی فتوا داده می شود! از این رو اگر یک نفر عالم شیعه در محکمه باشد و به اوضاع شهود کاملاً دقت شود، اختلافی در میان نخواهد بود.

آقای حمزه غوث اظهار داشت که دقت در مستندات فتوا وظیفه شرعی و وجدانی مفتی است و اگر بر فرض اینکه مفتی در فتوای خود دقت ننمود، کسانی که طبق فتوای او عمل می کنند پیش خدا مسؤول نیستند.

چون مطلب به اینجا رسید، من دیگر نخواستم دنباله مطلب را گرفته و ثابت کنم که در مسأله مفروض، دلیل آقای حمزه غوث پایه ای ندارد، به هر

گفتم: ما کشور سعودی را یک کشور اسلامی می دانیم، حرف در مستند

حال گفتگوی ما باز به موضوع رفع اختلافات برگشت. اتحادیهٔ مسلمین چند سؤالی تنظیم نموده بود که جواب آن‌ها را کتباً دریافت نماید چون ورقهٔ سؤالات به ایشان داده شد، در جواب اظهار داشتند که جواب کتبی دادن به این سؤالات صلاح نیست؛ زیرا در جراید ممکن است منعکس گردد، مخالف و موافقی پیدا شود و برای ما اسباب دردسر فراهم آید، من انتظار دارم که امسال حجاج از ایران به حجاز مسافرت کنند و از دولت ایران خواسته‌ام که برای حجاج ایران مانند سایر کشورهای اسلامی امیرحاجی معین نماید. البته پس از رفتن به مکه و برگشتن، خود حجاج تصدیق خواهند کرد که آن‌همه تشدیدات اصلاً برطرف شده و ملت سعودی با آغوش باز میهمانان خدا را استقبال نموده‌اند.

سپس خودم برای آوردن عائله به حجاز برمی‌گردم و حضور اعلیٰ حضرت ابن سعود شرفیاب شده و درخواست‌های شما را به حضور ایشان می‌رسانم و نتایج نیکی گرفته و مراجعت می‌کنم و من کوشش خواهم کرد تا آن‌جا که مقدور است، حسن تفاهم میان ملت ایران و ملت سعودی ایجاد شود و اختلافات جزئی مایهٔ تفرّق و تشّت نشود.

در ساعت ده و نیم، ملاقات من با آقای حمزه غوث به پایان رسید و در یک محیط صمیمیت مخصوص، همدیگر را وداع نمودیم.

آقای حمزه غوث یکی از اشراف مدینه است و از مستشاران مخصوص اعلیٰ حضرت ابن سعود بوده است و مخصوصاً از اوضاع دینی ایران بسیار ممنون است.



